

تربیت نسوان فارس مدارس دخترانه فارس در دوران قاجار و پهلوی اول

حامدی، زهرا

زمانه، شماره ۴۸

پیدایی این تفکر که تربیت مادران آگاه و باسواد ضرورت اولیه برای پرورش فرزندان متعهد و دانا و پرتلاش است، به خودی خود یک گام بلند در تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود که باعث ظهور مدارس دخترانه ملی و دولتی در ایران پس از مشروطه شد. در یک مقایسه آماری، روند تاسیس و تجهیز مدارس دخترانه دولتی که از مشروطه آغاز شده بود، در دوران رضاشاه به رکود و کندی کشیده شد و علیرغم اینکه نوگرایی و آزادی زنان در ایران معاصر به سیاستهای فرهنگی رضاشاه نسبت داده می‌شوند، زیربنایی‌ترین حق اجتماعی زنان در دوران رضاخان، یعنی حق تحصیل، در مقایسه با مدت محدود پس از پیروزی مشروطه تا سال ۱۳۰۴، رشد چندانی نداشت.

قبل از جنبش مشروطیت در تهران و شهرستانها، مدرسه به شیوه جدید برای دختران وجود نداشت. تنها از تاسیس مدرسه‌ای به نام پرورش در ۱۳۲۱ ق توسط طوبی رشدیه در تهران نام برده شده است، که آنهم چند روز بیشتر دوام نیاورد و توسط ماموران دولتی بسته شد. [۱] پس از پیروزی مشروطیت، در تهران مدارس ملی دخترانه توسط زنان آگاه و علاقمند به تحصیل دختران تاسیس شدند. [۲] روند تاسیس این مدارس کمابیش تا سالهای پس از جنگ جهانی اول ادامه یافت. پس از اتمام جنگ جهانی اول، نصیرالدوله (بدر)، وزیر معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه، دستور تاسیس مدارس دولتی پسرانه و دخترانه را صادر کرد. براساس این دستور، ده مدرسه دولتی دخترانه در تهران تاسیس شدند. [۳] تا پایان عصر قاجار تعداد دانش‌آموزان دختر در مدارس ملی و دولتی تهران روبه‌افزایش بود. [۴]

در شیراز و فارس، سابقه تاسیس مدارس دخترانه به سالهای پس از جنگ جهانی اول بازمی‌گردد. در روزنامه‌های این دوره شیراز، مقالات متعددی درخصوص اشتیاق برخی زنان به تاسیس مدارس و تربیت دختران به چاپ رسیده‌اند که اهمیت فراوانی دارند. این روزنامه‌ها تاکید می‌کردند که دختران «مادران فردا» و «تربیت‌کننده فرزندان» [۵] هستند و ضروری است برای سوادآموزی آنان مدارس دخترانه تاسیس شوند. آنان معتقد بودند «فقط با جهالت، عفت و عصمت باقی نمی‌ماند» [۶] و «افزایش آگاهی و دانش زنان مغایر با مسائل اسلامی نیست» [۷] ضمناً آنها تاکید می‌کردند روحانیون باید خودشان عهده‌دار تاسیس مدارس دخترانه شوند تا مطمئن شوند خلاف شرع در مدارس رواج نمی‌یابد. [۸]

در ۱۳۳۷ ق/ ۱۳۹۸ ش روزنامه فارس مقاله نسبتاً مفصلی را منتشر نمود که ضمن بحث درباره باسوادشدن دختران و تاسیس مدارس برای آنها، دختران ایرانی را به سه دسته تقسیم نموده است: ۱- گروهی شامل نودو هشت درصد دختران که برای تربیت آنها گذراندن تحصیلات شامل خواندن و نوشتن فارسی، حساب، ورزش، فن خانه‌داری، آشپزی و خیاطی لازم بود.

2- گروه معدود دختران مرفه که از تحصیلات عالی در تهران یا اروپا برخوردار بودند.

3- دخترانی که برای به دست آوردن معاش و تحصیل می‌خواستند آموزش ببینند. البته نویسنده مقاله مذکور تاکید می‌کند هنوز موقع آن نرسیده، یعنی مملکت هنوز آنقدر پیشرفت نکرده است که زنی به‌عنوان وکیل یا دکتر یا سایر مشاغل در ادارات دولتی استخدام شود.

نویسنده مقاله مذکور، در کل سه شغل را پیشنهاد می‌کند که زنان می‌توانند پس از تحصیل به دست آورند:

1- وارد شدن به مدارس اطفال و تعلیم آنان

2- طبابت: زنان می‌توانستند به مدارس طب در تهران وارد شوند و پس از اتمام تحصیلات طبابت کنند

3- مربی‌گری: به این معنایکه فرد پس از گذراندن دوره‌ای دوساله، می‌توانست به‌عنوان مربی خانگی زنان و کودکان خانواده‌ها را تربیت کند.

در نهایت نویسنده مقاله به دست آوردن علوم عالییه را برای زنان نه تنها غیرلازم بلکه مضر دانسته است. وی با خاطرنشان ساختن میزان مرگ و میر اطفال در آن زمان، لازم می‌داند دختران ایرانی دوره‌ای از تعلیمات مدرسه‌ای و حفظ‌الصحه منزل و سواد مختصر فارسی را فراگیرند و پیشنهاد داده است یکی از اهالی بانفوذ و ثروتمند شیراز این‌گونه مدارس را بنا کند تا دختران، باسواد و خوب تربیت شوند و از این طریق بتوانند ضمن کسب موفقیت در زندگی شخصی، باعث رشد و ترقی کشور شوند. [۹] در واقع باید گفت آنچه به عنوان تحصیل زن در جامعه ایرانی - البته عمدتاً در شیراز - مطرح شد، نه برای به دست آوردن تحصیلات عالییه و یا داشتن استقلال مالی بلکه برای تربیت فرزندان و زنان خانواده و اداره صحیح امور خانه بود. [۱۰]

علیرغم تمایل زنان و مردان آن عصر به تاسیس مدرسه برای دختران، پس از تاسیس اولین مدرسه دخترانه در شیراز (مدرسه بنات) برخی گروه‌های مذهبی در واکنش شدید به این مساله به مدت یک هفته بر منابر حاضر نشدند. [۱۱] اما با وجود تمام این مخالفتها، مدرسه مذکور به تدریج به حیات خود ادامه داد و در مدت اندکی پس از آن، در شیراز و برخی شهرهای فارس مدارس دیگری نیز برای دختران تاسیس شدند. مدارس دخترانه‌ای که در واپسین روزهای سلطنت قاجار در شیراز ایجاد شدند، به قرار زیر هستند:

تاسیس مدارس دخترانه در دوره قاجار

1- مدرسه بنات: در سال ۱۳۳۸ ق. / ۱۲۹۹ ش. با مدیریت مخلوقه خالقی تاسیس شد و مخارج مدرسه را تعدادی از صاحب‌منصبان قشون جنوب می‌پرداختند. [۱۲]

2- مدرسه تربیت بنات (تربیت نسوان): در سال ۱۳۳۸ ق. توسط ملاعلیرضا تاسیس گردید. وی قبلاً مدرسه پسرانه‌ای را تاسیس کرده بود. در واقع پیش از تاسیس مدرسه دخترانه، همسر وی دختران را آموزش می‌داد تا اینکه سرانجام مدرسه دخترانه تاسیس گردید. [۱۳]

3- مدرسه عفتیه (دولتی): این مدرسه در سال ۱۳۳۹ ق توسط سکینه عفت‌آغازی تاسیس شد و مشوق او در این کار میرزا رحمت (رئیس معارف فارس) بود. [۱۴]

4- مدرسه فاطمیه: حبیبه عظیمی در سال ۱۳۳۹ ق آن را تاسیس کرد. [۱۵]

5- مدرسه ادب بنات ملی: در سال ۱۳۳۹ ق توسط بیگم آغاشیوا تاسیس شد. [۱۶]

6- مدرسه عصمتیه: در سال ۱۳۳۹ ق تحت نظر محمد خوشنویس‌زاده به مدیریت حیا خوشنویس‌زاده تاسیس شد. [۱۷]

7- مدرسه ناموس: در سال ۱۳۰۳ ش عالم‌تاج ناموس آن را تاسیس کرد و مدیریت آن را طلعت مجتهدی برعهده داشت. [۱۸]

8- مدرسه احتجاجیه (بدر): این مدرسه در سال ۱۳۴۴ ق / ۱۳۰۴ ش توسط خانمی به نام خلیلی تاسیس گردید .

تنها شهرستان فارس که پس از شیراز در عصر قاجار به تاسیس مدرسه دخترانه اقدام نمود، شهرستان آباده بود که مدارس زیر در آنجا تاسیس شدند :

1- مدرسه تربیت ملی اناث: که ظاهراً در سال ۱۲۹۰ ش توسط طلعت آباده تاسیس گردید .

2- مدرسه زنده‌یاره: در سال ۱۳۰۳ ش توسط یاور امان‌الله‌خان تاسیس شد و مدیریت آن را خانم روحانیه برعهده داشت .

تاسیس مدارس دخترانه در دوره پهلوی اول

در دوره رضاشاه تاسیس مدارس توسط زنان با توجه به زمینه‌هایی که در دوره قاجار ایجاد شده بود، تداوم یافت. بسیاری از مدارسی که در سالهای نخستین قدرت‌گیری رضاشاه در فارس و به‌ویژه در شیراز فعالیت می‌کردند، سعی می‌نمودند آموزش دختران را بر مبنای شیوه‌های آموزشی جدید پیش ببرند. مدارس این دوره در واقع همان مدارس تاسیس‌شده در عصر قاجار بودند که اینک صرفاً بر تعداد دانش‌آموزان و مقاطع تحصیلی‌شان می‌افزودند .

از جمله مجلات فعال در امر زنان، مجله عالم نسوان بود که ناشران و نویسندگان آن زن بودند. در برخی شماره‌های این مجله پس از مقایسه وضعیت زنان در کشورهای نظیر فرانسه، انگلیس، سوئد، ژاپن، چین و هند، تاکید شده است که لیاقت و شایستگی زنان در امور مختلف و به‌ویژه در مسائل اجتماعی به خودشان بستگی دارد؛ چنانکه به‌عنوان مثال زنان متکدی هند خودشان را مسئول بدبختی خودشان می‌دانند؛ در چین در کنار زنانی که ریاست بانک و یا مقامات بالای اداری را برعهده دارند، زنان بسیار ترسویی نیز هستند که حتی از این‌که به‌تنهایی در خیابانها رفت‌وآمد کنند، می‌ترسند؛ در ژاپن زنان علیرغم مخالفت مردان، مشاغلی نظیر روزنامه‌نگاری، نویسندگی، پلیس و... را برعهده دارند؛ در سوئد برخی زنان با جامعه ملل در ارتباط هستند؛ و در فرانسه و انگلیس هنوز برخی زنان حقوق اجتماعی خود را کاملاً به‌دست نیاورده‌اند. [۱۹] نظیر این مقالات که مقایسه‌ای بین زنان ایران با زنان سایر نقاط جهان

بود، تازگی نداشت بلکه در مجلات عصر قاجار مانند «زبان زنان» و «جهان زنان» نیز مقالاتی درج می‌شد که همگی به‌منظور آگاهی‌بخشیدن به زنان ایران از طریق مقایسه و شناخت بیشتر وضعیت و شرایطشان به انتشار مطالب می‌پرداختند. نکته قابل‌توجه این‌که در فاصله سالهای ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۹.ش مجلات در مقالاتشان از زنان باسواد می‌خواستند با تخصیص سه ساعت وقت در هفته، به زنان بی‌سواد خواندن و نوشتن تعلیم دهند و اظهار می‌کردند برای این کار به ساختمان و تجهیزات و یا به بودجه و کمک مالی و غیره نیازی نیست. [۲۰] به‌عبارتی آنها راههای عملی‌تری را برای آموزش و باسوادکردن زنان می‌جستند و نوعی جدیت برای باسوادکردن زنان شکل گرفته بود. مهمترینکه این تفکر و تلاش برای عملی‌کردن آن، کاملاً توسط زنان انجام می‌شد.

چنانکه گفته شد، مدارس دخترانه دوره پهلوی اول - در سالهای نخستین این دوره - عمدتاً همان مدارس تاسیس‌شده در دوره قاجاریه بودند اما در این دوره بر تعداد دانش‌آموزان و مقاطع تحصیلی اضافه شد. دروسی نظیر ورزش و ژیمناستیک که در عصر قاجار در کنار دروس دیگر قرار داده شده بودند، در این دوره با جدیت بیشتری تعلیم داده می‌شدند. [۲۱] در سایر نقاط فارس، تاسیس مدارس دخترانه تقریباً از سال ۱۳۰۷.ش به بعد شروع شد.

مدارس دخترانه شیراز که در عصر پهلوی اول تاسیس شدند: [۲۲]

- 1- مخدرات: تاسیس ۱۳۱۲.ش، مدیر: کوکب‌الشریعه موبدی
- 2- دوشیزگان پهلوی: تاسیس ۱۳۱۴.ش، موسس و مدیر: پروین مارشال پیرغیبی
- 3- هدایت: تاسیس ۱۳۱۴.ش، مدیر: شمس‌الملوک ذوالقدری
- 4- دوشیزگان پارس: تاسیس ۱۳۱۴.ش، مدیر: نفیسه حق‌نویس
- 5- افتخاریه: تاسیس ۱۳۱۴.ش، مدیر: خدیجه سلطانی
- 6- مختلط فرح: تاسیس ۱۳۱۴.ش، موسس و مدیر: کبری یلدایی
- 7- علوی: تاسیس ۱۳۱۵.ش، مدیر: سکینه جباری

مدارس دخترانه تاسیس‌شده در شهرستانهای فارس (در دوره پهلوی اول):

- 1- شهرستان جهرم: [۲۳] دبستان دولتی دخترانه، تاسیس ۱۳۰۷.ش
- 2- شهرستان فسا: [۲۴] دبستان دولتی دخترانه، تاسیس ۱۳۰۷.ش
- 3- شهرستان کازرون: [۲۵] دبستان دولتی دخترانه، تاسیس ۱۳۰۷.ش
- 4- شهرستان اصطهبانات: [۲۶] دبستان دولتی دخترانه، تاسیس ۱۳۰۷.ش

5- شهرستان نیریز: [۲۷] دبستان دولتی دخترانه، تاسیس احتمالاً ۱۳۱۵-۱۳۱۴. ش

6- شهرستان لار: [۲۸] دبستان دولتی دخترانه، تاسیس ۱۳۱۴. ش

نتیجه

زنان فارس در عصر قاجاریه به منظور تاسیس مدارس دخترانه و باسوادکردن آنان تلاش مستمری انجام دادند. در نگاهی عمیق‌تر به عملکرد زنان شیراز درخصوص تاسیس مدارس دخترانه، درمی‌یابیم اساس فعالیت آنان بر مبنای این اعتقاد و تفکر انجام می‌گرفت که برای تربیت فرزندان و نسل آینده، به مادر آگاه و باسواد نیاز است. آنان علیرغم مدت کوتاه دوران پس از جنگ جهانی اول تا پایان سلطنت قاجاریه، بیشترین فعالیت را در تاسیس مدارس ملی در مقطع ابتدایی از خود نشان دادند. با قدرت‌گیری رضاشاه، فعالیت‌های زنان شیراز و فارس ادامه یافت. ابتدا بر تعداد دانش‌آموزان دختر و سپس بر تعداد مدارس افزوده شد. اما نکته قابل توجه این است که مدارس عصر پهلوی اول عمدتاً ادامه همان عملکرد مدارس عصر قاجار بودند که باید شکل‌گیری آنها را از نتایج مشروطیت دانست. تعداد مدارس دخترانه‌ای که در عصر پهلوی اول ایجاد شدند، در مقایسه با عصر قاجاریه، به‌رغم فضای سیاسی متفاوت، رشد چندانی نداشت؛ ضمن آنکه فزونی تعداد مدارس ملی نسبت به مدارس دولتی در دوره رضاشاه همچنان حفظ شد؛ بدین‌معناکه برتری با مدارس ملی بود. در شیراز و فارس در دوره رضاشاه بر تعداد دانش‌آموزان دختر و مقاطع تحصیلی اضافه شد. این مقاطع تحصیلی منحصر به مقطع ابتدایی نبودند بلکه به‌تدریج مقطع متوسطه نیز به آن اضافه گردید. از ۱۳۱۴. ش به بعد، بر تعداد مدارس دخترانه شیراز افزوده شد. در مجموع با توجه به فضای متفاوت سیاسی و اجتماعی دوره‌های قاجار و پهلوی اول، در دوره قاجار تحت‌تاثیر جریان مشروطیت، اساس و پایه تاسیس مدارس دخترانه در فارس ریخته شد و در دوره رضاشاه صرفاً همان روندی که در دوره قبل پایه‌گذاری شده بود، تداوم یافت.

پی‌نوشت‌ها

*عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد داراب .

[1]- شمس‌الدین رشیدی، سوانح عمر، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲، ص ۱۴۸

[2]- روزنامه ایران نو، ۴ شوال ۱۳۲۷، ش ۳، ص ۱ و نیز ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹، ش ۵، ص ۱؛ همچنین رک: زهرا حامدی «نقش زنان در تاسیس مدارس جدید از مشروطیت تا پایان دوره قاجاریه»، فصلنامه سمینار بین‌المللی زن در ادوار مختلف تاریخ ایران، بهمن ۱۳۸۱

[3]- سالنامه وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، ۱۲۹۷. ش/ ۱۳۳۶. ق، ص ۷۶

[4]- سند ش ۶۲۸، ش تنظیم ۵۱۰۰۷ به نقل از: سهیلا ترابی فارسانی، اسنادی از مدارس دختران از مشروطیت تا پهلوی، تهران، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۸، صص ۱۰۲-۶۴

- [5] - روزنامه استخر، ۲۲ شوال ۱۳۳۷. ق/۳۰ سرطان ۱۳۹۸. ش، ش ۸۲، سال دوم، ص ۲
- [6] - همان .
- [7] - همان .
- [8] - همان .
- [9] - روزنامه فارس، ۱۹ ذی القعدة ۱۳۳۷، ش ۴۶، سال سوم، ص ۶
- [10] - همان، ۲۹ رمضان ۱۳۳۷، ش ۳۹، سال سوم، ص ۹
- [11] - همان، ۲۵ شوال ۱۳۳۸ / ۲۱ سرطان ۱۳۹۹، ش ۴۶، سال چهارم، ص ۱۱
- [12] - همان، غره ذیحجه ۱۳۳۸ / ۲۵ اسد ۱۳۹۹، ش ۲، سال پنجم، ص ۸؛ سالنامه معارف فارس، ۱۳۱۴-۱۳۱۵، شیراز، چاپخانه آفتاب، بی تا، ص ۴۸
- [13] - همان، ص ۴۸
- [14] - همان، ص ۴۹
- [15] - همان، ص ۵۱
- [16] - همان، ص ۵۲
- [17] - همان .
- [18] - همان، ص ۵۳
- [19] - همان، ص ۵۴
- [20] - سالنامه معارف فارس، همان، ص ۷۲
- [21] - روزنامه استخر، ۲۶ ثور ۱۳۰۳ / ۱۰ شوال ۱۳۴۲، ش ۷، سال هفتم، ص ۲؛ سالنامه معارف فارس، همان، ص ۷۴
- [22] - «اخبار ترقی نسوان»، مجله عالم نسوان، بهمن، ۱۳۰۵، ش ۲، سال هفتم، صص ۵۲-۵۳
- [23] - همان، بهمن ۱۳۰۵، ش ۲، سال هفتم، ص ۵۳
- [24] - همان، اردیبهشت ۱۳۰۹، ش ۳، سال دهم، ص ۱ و بسیاری شماره‌های دیگر این مجله .

[25] - سالنامه معارف فارس، همان، فصل دوم، قسمت اناث .

[26] - همان، صص ۴۹-۵۶

[27] - همان، صص ۶۹-۷۲

[28] - همان، صص ۷۳-۷۴؛ همچنین رک: روزنامه استخر، ۲۶ ثور ۱۳۰۳، ش ۷، سال هفتم، ص ۲